

حاج میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری و مسئله اوقاف مدرسه منصوریه شیراز



بیش از صد سال از تالیف فارسنامه ناصری از مهمترین منابع تاریخ و جغرافیای فارس می‌گذرد. این کتاب یکی از بهترین آثاری است که در دوره قاجاریه تالیف شده و تاکنون و بارها، به همان صورت اولیه و بدون تصحیح و تغییر به چاپ رسیده است. ارزش و اهمیت فارسنامه ناصری برای پژوهشگران تاریخ فارس و نیز گذشت صد سال از تالیف آن فرصتی است تا به شرح احوال و آثار مؤلف آن میرزاحسن فسایی پرداخته شود. از آنجا که شرح حال مؤلف به طرز بسیار جالبی در خلال سطور و صفحات فارسنامه نقل شده، در این مقاله سعی بر آن است تا زندگی مؤلف و چگونگی تالیف فارسنامه تماماً طرح و تدوین گردد.

مؤلف فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی مکی مدنی دشتکی شیرازی فسایی است که به اختصار به میرزا حسن فسایی اشتهار دارد. اگرچه همین عنوان مختصر و ساده اخیر برای مورد خطاب قرار دادن او کافی است. اما برای اطلاع بر سرگذشت خاندان وی و بسیاری از دقائق کتاب فارسنامه ناصری بایستی نام کامل او را ذکر نمود و به تجزیه و تشریح آن پرداخت.

چنانکه مؤلف فارسنامه در بخش دوم کتاب، ذیل قسمت «اعیان محل» و به هنگام گفت و گو از بزرگان محله «سردزک» اظهار داشته است، نسب او با سی و شش واسطه و از طریق زیدبن علی به حضرت امام حسین (ع) می‌رسد.^۱ به همین جهت از سادات حسینی است و در دنباله نام خود عنوان «حسینی» را نیز ذکر می‌کند. جد بیست و نهم او سید احمد مسکین معاصر امام رضا (ع) و مصاحب با آن حضرت بوده است.^۲

نخستین فرد از این خاندان که در شیراز موطن گشت علی ابوسعید نصیبی، جد بیست و چهارم میرزاحسن می‌باشد. علی ابوسعید نصیبی در سال ۴۱۷ هـ. ق. به شیراز آمد و در محله دشتک ساکن شد.^۳ از آن پس، این دسته از سادات حسینی به «دشتکی» معروف گشتند و با وجود آنکه نوادگان او در زمان‌های بعد در محله‌های دیگری از شهر سکونت گزیدند و محله دشتک نیز جزو محله سردزک شد باز هم عنوان دشتکی در دنباله نام آنان باقی ماند.

این خاندان قریشی الاصل چون ساکن شیراز شدند لاجرم مشهور به شیرازی گشتند و به زودی در ردیف علما و بزرگان و صاحبان ملک و مال و هم‌نشینیان ملوک و ملاکین درآمدند و بعدها چون از بزرگان این خاندان کسانی چون سید علی خان کبیر، جد سوم میرزاحسن به حجاز بازگشتند و مدتی در آنجا بسر بردند و موقوفات و مستعلاتی بدست آوردند،^۴ عناوین «مکی و مدنی» نیز به «حسینی دشتکی شیرازی» ضمیمه گشت. پس از چندی به دلیل آنکه در بلوک فسا املاک و آبادی‌هایی به کسانی از این خاندان رسید، عنوان «فسایی» هم بر عناوین قبلی افزوده شد و جهت رعایت اختصار و سهولت استعمال این عنوان اخیر مشهور و متداول گشت،

○ دکتر عبدالرسول خیراندیش

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

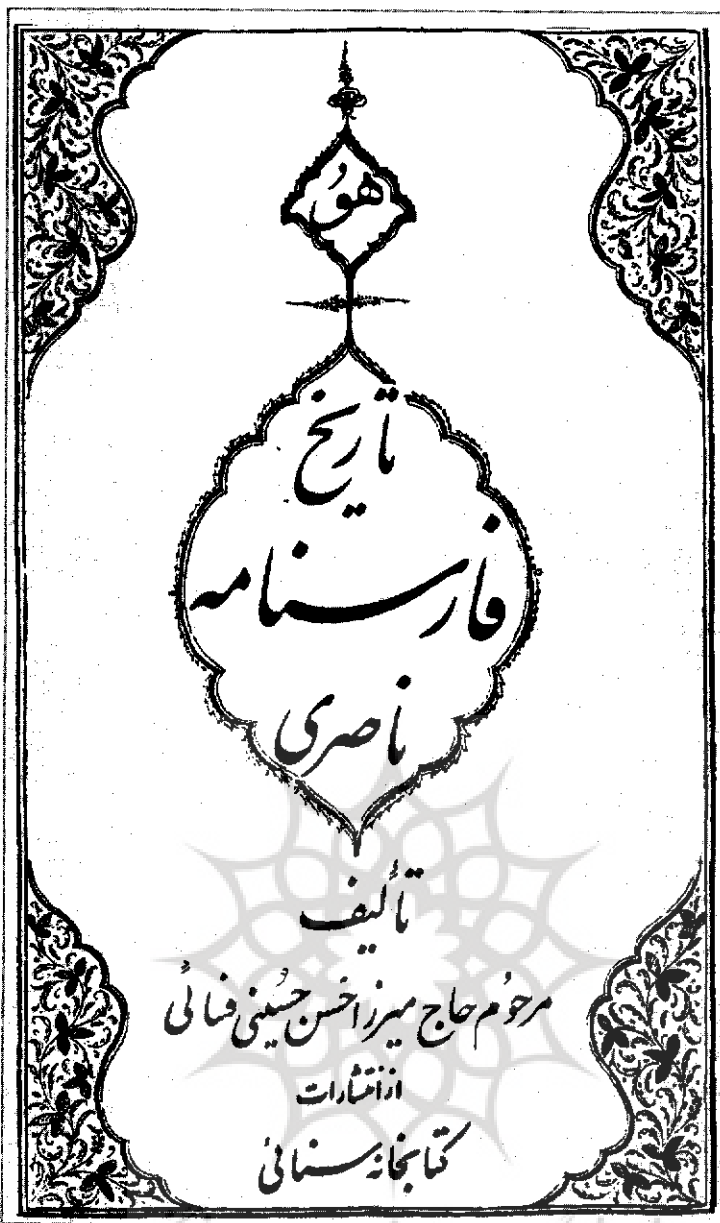
چنانکه همگان مؤلف فارسنامه ناصری را میرزاحسن فسایی می‌نامند.

میرزاحسن فسایی (۱۳۱۶-۱۲۳۲ هـ. ق.) در شهر فسا به دنیا آمد. سه ماه پیش از تولد او، پدرش حسن، از دنیا رفته بود و به یاد پدر، نام حسن بر او گذارند. فقدان پدر در تربیت میرزاحسن خللی وارد نساخت زیرا مادر او از زنان دانشمند و از خانواده‌های معروف شیراز بود،^۵ چنانکه خطی نیکو داشت و چندین جلد قرآن و ذوالمعد را به خط خود استنساخ کرده بود.^۶ طولی نکشید که مادرش نیز دارفانی را وداع گفت و برادر میرزا حسن، عهده‌دار تربیت او شد. این ناملایمات او را از تحصیل دانش بازداشت و ابتدا نزد ابوالحسن خان، پسر عم خود به تحصیل علوم و ادبیات پرداخت و سپس برای تکمیل تحصیلات به اصفهان رفت و دو سال بعد به شیراز بازگشت. این بار نزد حاج شیخ مهدی کجوری ریاضیات و نزد سیدعلی نیاز، علم طب را فراگرفت.^۷

ادامه تحصیلات میرزاحسن درحقیقت با مسافرت‌های متعدد او به نقاط مختلف فارس و نیز مکه و مدینه ممکن و میسر شد. بدین ترتیب سرانجام در ادبیات، تاریخ، جغرافیه، طب و ریاضیات صاحب نام گشت، چنانکه در زمان حیات در طب و ریاضیات مشهور بود، اما پس از رحلت به خاطر اشتهار فارسنامه ناصری همگان او را تنها به عنوان مورخ می‌شناسند و دیگر توانایی‌های علمی وی را نادیده می‌گیرند. میرزاحسن به عنوان اولین اثر علمی خود در سال ۱۲۸۳ هـ. ق. تفسیری مشهور به تفسیر حسن را فراهم کرده است.^۸ به خاطر تعلق خاطر و وابستگی به سلسله صوفیه ذهبیه، میرزاحسن فسایی در حلقه صوفیان صاحب جایگاه و بعثت تبحر در طب و نجوم و تاریخ در محضر حاکمان، دارای پایگاه بود به طوری که نزد ظل‌السلطان و معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمرانان وقت فارس، قرب و منزلتی تمام داشت و همینان معین و مشوق او در بنای تالیف فارسنامه و معرف او به دربار تهران برای اتمام این کتاب بودند.

میرزاحسن در سال ۱۲۸۹ هـ. ق. به تشویق ظل‌السلطان، نقشه فارس را ترسیم و تهیه نمود. پس از آن در سال ۱۲۹۳ هـ. ق. به دستور معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران فارس، آن نقشه را با ذکر رودها و چشمه‌سارها و جزایر و دهات فارس به ناصرالدین شاه قاجار تقدیم کرد. سه سال بعد طی فرمانی که از طرف شاه خطاب به معتمدالدوله فرهاد میرزا صادر گشت به میرزاحسن دستور داده شد که کار قبلی خود را تکمیل کرده کتابی در جغرافیای فارس بنویسد؛ ضمناً وقایع اتفاقیه هر محل را بنگارد. به همین دلیل کتاب مزبور به نام ناصرالدین شاه قاجار فارسنامه ناصری نامیده شد.^۹

انگیزه ناصرالدین شاه از صدور چنین فرمانی می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. چنان‌که مستقیم و یا غیرمستقیم دیگران را نیز به انجام تالیفاتی در مسائل تاریخی و جغرافیایی



تألیف
مرحوم حاج میرزا حسن حسینی فسانی
از انتشارات
کتابخانه سنی

از آنجا که شرح حال مؤلف
فارسنامه ناصری به طرز بسیار جالبی
در خلال سطور و صفحات فارسنامه
نقل شده در این مقاله سعی بر آن است
تا زندگی مؤلف و چگونگی تألیف فارسنامه
توأمآ طرح و تدوین گردد

چنانکه مؤلف فارسنامه در بخش دوم
کتاب، ذیل قسمت «اعیان محل» و
به هنگام گفت و گو از بزرگان
محل «سردزک» اظهار داشته است،
نسب او با سی و شش واسطه و
از طریق زیدبن علی به حضرت
امام حسین (ع) می‌رسد

تشویق نموده است. به عنوان مثال
ناسخ‌التواریخ (بخش قاجاریه) نوشته میرزا
محمدتقی سپهر لسان‌الملک اول، تاریخ
ناصری نوشته میرزا محمدتقی سپهر،
روضه‌الصفای ناصری تألیف رضاقلی خان
هدایت، منتظم ناصری نوشته محمدحسن
خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه) و
حقایق اخبار ناصری نوشته میرزا جعفرخان
خورموجی در روزگار او تألیف شد. اما مسئله
مورد نظر ما در اینجا کشف هدف اصلی و
شخصی میرزا حسن فسایی از تألیف
فارسنامه است.

میرزا حسن فسایی در همان صفحه اول
فارسنامه، پس از ذکر و ثنای پروردگار و
ستایش پیامبران و مدح شاه و شاهزادگان،
به یکباره به طرح دعوی حقوقی
درخصوص تولیت پاره‌ای از املاک وقفی
فارس می‌پردازد و برای اثبات این مدعا که
این ملک و آن محل، موقوفه اجدادی او
بوده و به دست فلان و بهمان غصب شده
است دلایل متعدد اعم از اسناد و اقوال و
شهود و براهین عقلی و نقلی می‌آورد.^۱
مؤلف با این فتح‌یاب در خلال صفحات
کتاب چه در آنجا که تاریخ می‌نویسد و چه

آنجا که از اعیان محل سخن می‌گوید و یا از مدارس شیراز
گفت و گو می‌کند و به طور کلی در هر فرصتی، مسئله
موقوفات غصب شده مدرسه منصوریه را که شامل سهل‌آباد
و قصر کرم و مزرعه سختویه... بوده است را به میان
می‌کشد. چنانکه در صفحات ۳، ۴، ۸۱، ۱۸۳ و ۳۸۴ از بخش
اول کتاب و در صفحات ۸۳، ۸۵، ۸۶، ۸۹، ۲۳۸... از بخش
دوم کتاب به طرح دعوی و تقاضای استیفای حقوق از دست
رفته و استرداد اموال و املاک غصب شده می‌پردازد.

مؤلف مدعی است که امیرشرف‌الدین ابراهیم، جد
سیزدهم او (معاصر با علاءالدوله سمنانی، عارف قرن هشتم
هجری) بر مزارش بقعه‌ای بوده و این بقعه موقوفاتی داشته
است.^۲ بنا بر اسناد معتبر، تا زمان نادرشاه این موقوفات برقرار
بوده لیکن پس از آن از دست رفته و احتمالاً منضم به املاک
دیوانی شده است. شاید علت اینکه میرزا حسن در فارسنامه
چندان عنایتی به نادرشاه ندارد همین مسئله بوده باشد. سپس
با ارائه سندی که منسوب به سلطان حسن بیگ آق‌قویونلو
است^۳ و خطاب به امیرصدرالدین دشتکی، جد دهم
میرزا حسن نوشته شده ثابت می‌کند که مدرسه منصوریه و
موقوفات آن بایستی در تولیت او باشد. در نامه سلطان
حسن بیگ آق‌قویونلو به امیرصدرالدین آمده است که به موجب
این فرمان موقوفات مدرسه منصوریه از مالیات معاف است.

امیرصدرالدین این مدرسه را در سال ۸۹۳
ه. ق. بنا نهاده و املاکی بر آن وقف
کرده بود. او همچنین وقف‌نامه‌ای تنظیم
و تحریر نمود که بعدها میرزا حسن از متن
آن نه تنها به طرح ادعای تولیت موقوفات
مدرسه منصوریه می‌پرداخت بلکه سلسله
نسب خود را نیز استخراج می‌کرد.

مؤلف در تعقیب ادعای خویش حتی
پای از حدود موقوفات مدرسه منصوریه
فراتر نهاده و در هنگام ذکر اوصاف جد
سوم خویش، سید علیخان صدرالدین
الحسینی مدنی مکی شیرازی، به
برشمردن موقوفات او در نیشابور که توسط
نادرشاه غصب شد، می‌پردازد و سپس با
زبان طعن و طنز از موقوفات آن بزرگوار
در طائف و مکه و اینکه هنوز برقرار است
و عواید آن به نحو احسن و اکمل بدو
می‌رسد سخن می‌گوید.^۴

مقصود از آنچه که در فوق آمد این
نیست که بگوئیم تمامی کتاب درخصوص
مسئله موقوفات غصب شده مؤلف است.
اما نمی‌توان از اصرار و سماجت او در طرح
این مسئله در صفحات مختلف و متعدد
کتاب چشم پوشید. به عنوان مثال در

بخش دوم کتاب چنین می‌نویسد «چندین ملک وقف بر آن
فرمود [منظور وقف املاکی توسط امیرصدرالدین بر مدرسه
منصوریه است] و اغلب آن‌ها در دست اهل جور و عدوان
افتاده است جز قریه قصر کرم بلوک فسا و مزرعه سختویه
مشهور به سخنان واقع در خلف دروازه قصاب خانه شیراز که
مدت سی سال است به عنوان باطل در تصرف حاجی میرزا
ابوالحسن خان مشیرالملک بود و بعد از وفات او ورثه آن
مرحوم بالطوع و الرغبه آن مزرعه را بتصرف متولی شرعی
آن که مؤلف این فارسنامه ناصری است بی‌زحمت مشاجرت
و مخاصمت بدادند شکرالله مساعیم و از موقوفات قدیمی
آن مدرسه قریه سهل‌آباد را مجرد است که سألها در تصرف
متولیان آن بود. در سال هزار و دویست و هشتاد و سه میرزا
علی پسر حضرت مغفرت ماب حاجی میرزا ابراهیم مجتهد
طالب‌تراه... بتجویز حاجی شیخ حسین عرب مشهور به
ناظم‌الشریعه... این قریه سهل‌آباد را مجرورا بنواب اشرف
والاحسام السلطنه حاجی سلطان مرادمیرزا والی مملکت
فارس بفروخت و چون نواب معزی‌الیه از قضیه وقفیه مطلع
گردید این سهل‌آباد وقفی را رد فرموده وجه ثمن او را پس
گرفت پس ناظم‌الشریعه حیلتی نمود که میرزا علی خدمت
جناب حاج شیخ مهدی مجتهد اقرار کند که این سهل‌آباد
متصرفی من و آباء و اجداد من به عنوان مجهول‌الملک

به خاطر تعلق خاطر و وابستگی به سلسله صوفیه ذهبیه، میرزا احسن فسایی در حلقه صوفیان صاحب جایگاه و بعثت تبحر در طب و نجوم و تاریخ در محضر حاکمان، دارای پایگاه بود به طوری که نزد ظل السلطان و معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمرانان وقت فارس، قرب و منزلتی تمام داشت و همینان معین و مشوق او در بنای تالیف فارسنامه و معرف او به دربار تهران برای اتمام این کتاب بودند



است پس سهل آباد را از آن جناب بخريد و به قيمتی ارزان به ناظم الشريعه بفروخت و در سال هزار و دويست و نود و پنج حضرت اشرف والا حاجی معتمدالدوله فرهاد میرزا دام عزه تفحص تمام در امر سهل آباد فرمود و رجوع به قباله جات و فقيه و احكام شرعيه و ارقام عرفيه بر و فقيت آن نمود و از تصرف ناظم الشريعه گرفته بدست مؤلف اين فارسنامه ناصری که متولی این موقوفه هشتم بناد و در سال هزار و دويست و نود و نه باز ناظم الشريعه حيلتی دیگر انگيخت و سهل آباد را از تصرف وقف باز کشيد و اين بنده بتصديق علمای دارالخلافه طهران در دربار معدلت مدار... عرض گشتم و فرمان استرداد سهل آباد وقفی را صادر نمود [نمود] ولی هيچ فايده نبخشيد تا... رعيت پروری و عدالت گستری حضرت اسعد امجد ارفع والا ظل السلطان ادام الله شوکته با متمددين چه کند.^{۱۳}

کتاب فارسنامه ناصری به طور کلی در دو بخش تنظيم و تالیف شده است. بخش اول در ذکر تاریخ فارس است که از صدر اسلام و تصرف فارس به وسیله سپاهیان اسلام شروع و تا سال ۱۳۰۰ هـ. ق ادامه می یابد. بخش دوم کتاب مشتمل بر جغرافیای فارس، مدارس، باغات، رجال... است.

در مورد ارزش فارسنامه ناصری به دو نظر متفاوت از جانب صاحب نظران می توان اشاره کرد. مهدی یاماند نویسنده کتاب شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ آن را یکی از بهترین کتبی دانسته که در قرن اخیر تالیف شده است.^{۱۵} ولی مرحوم دکتر محمد معین به نقل از حسنعلی حکمت و با استناد به بخش اول کتاب فارسنامه که در خصوص تاریخ فارس است می نویسد: این گفتار خلاصه ایست از تواریخ مورخان اسلامی و فقط زحمت مؤلف در این است که حوادث هر سال فارس را از تواریخ گذشتگان استخراج کرده طی همان سال آورده است. قسمت مختصری را که تالیف می توان شمرد تاریخ سالهای معاصر خود اوست.^{۱۶} برای روشن شدن صحت و سقم اظهارات فوق لازم است فارسنامه ناصری را با دیگر آثار مربوط به تاریخ و جغرافیای فارس مقایسه کرد و متن آن را نیز مورد بررسی قرار داد.

قبل از فارسنامه ناصری مهمترین کتاب اختصاصی در تاریخ و جغرافیای فارس، فارسنامه ابن بلخی است. این کتاب در اوایل قرن ششم هجری توسط ابن بلخی که در فارس به خدمت دیوانی اشتغال داشت، تالیف شده است. او کتاب خود را بر اساس مدارک و منابع معتبر تنظیم نمود و به محمد بن ملک شاه سلجوقی (سلطنتش ۵۱۱، ۴۹۸ هـ. ق) تقدیم کرد. فارسنامه ابن بلخی مشتمل بر تاریخ فارس از روزگاران کهن تا فتح آن سرزمین به دست مسلمین و نیز اطلاعاتی در خصوص جغرافیای آن می باشد.^{۱۷}

پس از فارسنامه ابن بلخی در کتب متعددی چون جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی^{۱۸} (۶۴۵، ۷۱۸) و بخصوص تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار معروف به تاریخ و صاف نوشته شهاب الدین عبدالله

شیرازی^{۱۹} تالیف شده در اوایل قرن هشتم، مطالب فراوانی در خصوص تاریخ فارس می توان به دست آورد. همچنین از کتاب هایی چون شیرازنامه نوشته ابوالعباس احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی، تالیف شده در نیمه اول قرن هشتم هجری^{۲۰} یا موابه الهی نوشته مولانا معین الدین یزدی (متوفی ۷۸۹ هـ) تالیف شده در اواخر قرن هشتم^{۲۱} و نیز کتاب شدالازار فی حظ الاوزار عن زوارالمزار معروف به مزارات که توسط معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی در سال ۷۹۱ هجری در خصوص قبور بزرگان شیراز نوشته شده است^{۲۲} و همچنین از بسیاری از کتاب های تاریخ عمومی و یا سفرنامه ها، اخبار فراوانی از تاریخ و جغرافیا و رجال... فارس می توان استخراج نمود، اما هیچکدام به خاطر محدود بودن حدود زمانی مطالبی که از آن بحث کرده اند یا منحصر بودن محتوای آنها به مسئله و مطلبی جزئی و یا به دلیل بر گزار نمودن اخبار فارسی به بیانی مجمل و مختصر، به پایه فارسنامه ابن بلخی نرسیدند. اگرچه آثاری همچون روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس که در سال ۱۲۰۰ تالیف شده وقایع تاریخ فارس از ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ را دربردارد یا تجربه الاحرار و تسلیة الابرار نوشته دبنلی که هر چند شرح حال شعرا می باشد اما مشحون از نکات تاریخی است بایستی مستثنی نمود.

در مورد فارس، کتب و منابع دیگری را نیز می توان نام برد اما به حیث این مقال لازم است به آثاری که در تاریخ و جغرافیای فارس در دوره حیات مؤلف فارسنامه ناصری میرزا احسن فسایی وجود آمده اند اشاره کرد.^{۲۳}

در سال ۱۲۲۱ هجری شخصی به نام حاجی اسدالله خان درویش فرزند حاجی ابراهیم کلانتر کتابی موسوم به تاریخ قوامی را به نام فتحعلیشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۱۲) نوشت. شاه قاجار در سال ۱۲۱۵ هـ. ق دستور کور نمودن مؤلف را صادر کرده بود و او نیز در ایام کوری کتاب مذکور را تهیه کرده است. در حدود نیمی از اوایل کتاب تقلیدی است از فارسنامه بلخی در مورد تاریخ فارس پیش از اسلام و مطلب جدیدی ندارد اما نیمه دوم کتاب که درباره چگونگی مورد خشم قرار گرفتن خاندان حاجی ابراهیم و کور شدن او بدست پادشاه وقت است مطالب سودمندی دارد.^{۲۴}

در تاریخ ۲۷ جمادی الاول سال ۱۲۵۶ هجری بدستور محمدشاه قاجار شخصی که به مهندس ناشناخته موسوم شده برای تهیه گزارشی از وضع راهها، امکانات دفاعی، منابع آب و سایر مشخصات و امکانات جغرافیایی به فارس و بنادر خلیج فارس اعزام می شود. حاصل مسافرت او در کتابی به نام سیاحتنامه جنوب ایران تنظیم شده است. این کتاب یکی از منابع پرارزش برای کسب اطلاعات در مورد ویژگی های جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی فارس در دوره مذکور است و مؤلف شرح مسافرت خود را به ترتیب تاریخ و منزل به منزل یادداشت کرده است. این سفرنامه با شروع حرکت از اصفهان

آغاز و در بندر بهبه در سواحل خلیج فارس به پایان می رسد.^{۲۵} در سال ۱۲۷۶ کتاب آثار جعفری در طهران با چاپ سنگی به طبع رسید. این کتاب که در خصوص مؤلف آن نظر واحدی وجود ندارد و بعضی آنرا به جعفر مشیرالدوله و مشهور و مقبول تر از آن بعضی، به میرزا جعفرخان حقایق نگار خورموجی نسبت می دهند، در مورد جغرافیای جهان و نیز جغرافیای فارس است. اگرچه ترتیب تنظیم مطالب آن در مورد فارس قابل ملاحظه است لیکن به خاطر اجمال بیش از حد، چندان قابل استفاده نیست.^{۲۶} به عوض آن در نهضت المشتاق میرزا جعفر خان به تفصیل تاریخ و جغرافیای فارس بازگو شده است (نسخه خطی).

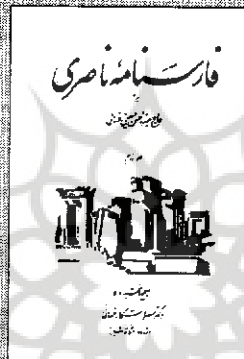
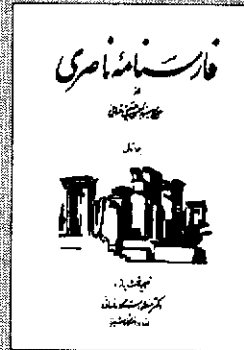
در دهه آخر قرن سیزدهم، معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران فارس نیز دو کتاب به نام های احوال فارس و فارسیان^{۲۷} و روزنامه سفر فارس تالیف نمود.^{۲۸}

در سال ۱۳۰۳ شخص ناشناسی که از جانب ناصرالدین شاه قاجار خلعتی برای ظل السلطان می برده است، شرح مامویت خود را در نوشته ای موسوم به سفرنامه اصفهان و فارس گردآورده است.^{۲۹} پنج سال بعد محمدحسن مهندس قاجار که برای سرکشی خطوط تلگراف فارس مسافرتی به آنجا نموده، کتابی به نام کتابچه مسافرت فارس تنظیم نمود. اینگونه آثار و آثار دیگری که در آن زمان یا سال های بعد بوجود آمده اند هیچکدام به آن حد از شهرت و اعتبار نرسیدند که بمانند فارسنامه ناصری مورد توجه قرار گیرند و در چند نوبت به طبع برسند. زیرا فارسنامه ناصری به خاطر روش خوب تاریخ نویسی و کثرت مطالب، گوی سبقت را از تالیفات مشابه برده است. حتی کتاب آثارالعجم که در اواخر دوره قاجاریه توسط فرصت الدوله شیرازی تالیف شد و حاوی اطلاعات فراوانی راجع به آثار و ابنیه و... فارس است به معروفیت و مقبولیت فارسنامه ناصری نرسید.

روش شناسی کتاب

فارسنامه ناصری حتی در مقایسه با کتابهای تاریخی دوران ماقبل مشروطیت قاجاریه نیز دارای مزایایی است زیرا دارای تثری سلیس و روان می باشد و در حد اغراق و افراط به ذکر القاب و عناوین جز در موارد محدودی نمی پردازد. در همین راستا بجای آنکه سطور متعدد کتاب را با توصیف، تمجید و چاپلوسی و ذکر القاب طویل پرسازد، اطلاعات فراوانی در دسترس خواننده قرار می دهد. همچنین مؤلف در موارد متعددی شقاوت ها و سنگدلی های حکام و شاهان و یا سیکسری رفتار عوام را متذکر گشته و مورد نکوهش قرار می دهد.

بخش اول فارسنامه ناصری که در مورد تاریخ فارس است، در حقیقت ذیل فارسنامه ابن بلخی به شمار می آید. زیرا تاریخ فارس را از ورود اسلام آغاز می کند و تا اول قرن چهاردهم می رسد که طبیعتاً وقایع همزمان با حیات مؤلف از ارزش خاصی برخوردار است. در این بخش اگرچه بسیاری



فارس انجام داده، با بسیاری از افراد مطلع به گفت و گو پرداخته و موارد متعددی از آثار و اسناد را مشاهده کرده و نیز به وسیله مکاتبه کسب اطلاعات کرده است. به علاوه تقرب او به دستگاه حکومتی فارس و توطن وی در مرکز ارتباطی مهمی چون شیراز و نیز داشتن علائق ملکی در چند نقطه از فارس او را بر بسیاری از وقایع تاریخ و جغرافیای فارس و تراجم احوال و شرح انساب مسلط ساخته بود و این خود به او در تالیف فارسنامه کمک بسیار مؤثری نموده است.

در بخش دوم کتاب، مؤلف به مقدار قابل توجهی به سوابق تاریخی آبادی های فارس از روزگار باستان می پردازد، اما بعکس استحکامی که از نظر تاریخ نگاری، در بخش اول کتاب از خود نشان می دهد، در این بخش از کشف یک رابطه عرضی میان وقایع تاریخی نواحی مختلف فارس عاجز مانده است. این کیفیت، مؤلف فارسنامه ناصری را از دستیابی به یک تصویر کلی از اوضاع عمومی فارس در یک برهه خاص محروم می سازد. طبیعتاً مؤلف می توانست همان روشی

را که در بخش اول برگزیده بود ادامه دهد یعنی همان طور که سعی در تبیین تاریخ محلی فارس بوسیله تاریخ ملی ایران داشت می توانست تاریخ نواحی مختلف فارس را نیز با مرتبط ساختن آن با کلیت تاریخ فارس هماهنگ و همراه سازد. این امر بخصوص بخاطر همبستگی مکانی و تجانس قابل توجه فرهنگی میان پدیده های تاریخ فارس به خوبی قابل توجیه است. با اینحال اشکالی که در بخش دوم کتاب ملاحظه می گردد هیچ انتقادی را متوجه شخص میرزااحسن فسایی نمی سازد زیرا علت اصلی مسئله در چگونگی تالیف فارسنامه ناصری است.

چنانکه گفته شد بنای تالیف فارسنامه ناصری بوسیله میرزااحسن فسایی در سال ۱۲۸۹ هجری با تشویق او توسط ظل السلطان به تهیه نقشه فارس نهاده شد و در سال ۱۲۹۳ آن نقشه به دستور معتمدالدوله فرهادمیرزا با ذکر اسامی رودها و چشمه ها و دهات و... تکمیل و تقدیم شاه گردید. سه سال بعد یعنی در سال ۱۲۹۶ دستور ناصرالدین شاه مبنی بر ادامه و اتمام فارسنامه توسط معتمدالدوله فرهادمیرزا برای میرزااحسن فسایی صادر شد. بهمین جهت بخش دوم کتاب که در مورد اوضاع جغرافیایی و مسائل اجتماعی فارس می باشد قبل از بخش اول که راجع به تاریخ فارس است

میرزااحسن فسایی در ادبیات، تاریخ، جغرافیا، طب و ریاضیات صاحب نام گشت، چنانکه در زمان حیات، در طب و ریاضیات مشهور بود، اما پس از رحلت به خاطر اشتها ر فارسنامه ناصری همگان او را تنها به عنوان مورخ می شناسند و دیگر توانایی های علمی وی را نادیده می گیرند

میرزااحسن در سال ۱۲۸۹ ه. ق به تشویق ظل السلطان، نقشه فارس را ترسیم و تهیه نمود. پس از آن در سال ۱۲۹۳ ه. ق به دستور معتمدالدوله فرهاد میرزا، حکمران فارس، آن نقشه را با ذکر رودها و چشمه سارها و جزایر و دهات فارس به ناصرالدین شاه قاجار تقدیم کرد

از وقایع به نسبت منابع اختصاصی، بیشتر به اختصار آورده شده لیکن مجموعه مرتب، منسجم و کاملی از تاریخ فارس بعد از اسلام را در اختیار خواننده قرار می دهد. روشی که مؤلف در تنظیم این بخش به کار گرفته بدین ترتیب می باشد که در بالای هر صفحه نام سلطان دوران و پس از آن نام حکمران وقت فارس را ذکر می کند. سپس همچنانکه در متن به ذکر وقایع می پردازد در حاشیه، عنوان حوادث و تاریخ وقوع آنها را نمایش می دهد. این روش اولاً فهرست خوبی برای تسهیل مراجعه به کتاب بوجود می آورد، ثانیاً توالی وقایع را به خوبی حفظ می نماید و ثالثاً مؤلف به خوبی توانسته است رابطه دقیقی میان وقایع در سطح تاریخ ملی ایران با وجوه تاریخ محلی فارس ایجاد کند و یا این رابطه را مشخص و معلوم سازد. بدین ترتیب این فرصت فراهم می شود تا وقایع نامعلوم یا فراموش شده تاریخ فارس با بررسی مسائل عمومی تاریخ ایران ممکن و میسر گردد.

این روش که نوعی تعمیم در تاریخ نگاری به شمار می آید مگرراً توسط میرزااحسن فسایی به کار گرفته می شود و گاه چنان به مقدار زیاد مورد تاکید قرار گرفته که کتاب از صورت فارسنامه به هیئت تاریخ

ایران درمی آید. اینگونه تعمیم ها که به کرات تاریخ محلی فارس را عین تاریخ ملی ایران می سازد، موجبات عدم تدقیق مباحث کتاب را فراهم می کند علت این امر را نمی توان ضعف اطلاعات مؤلف به حساب آورد بلکه دلیل آنرا می توان چنین دانست که مؤلف نمی خواسته است با اختصاص تمامی مطالب کتاب به ذکر وقایع تاریخ فارس خوانندگان ایرانی غیرفارسی اثر خود، بخصوص شخص شاه را که کتاب بخاطر و به دستور و به نام او نوشته می شد ملول و خسته کند و مصلحت چنان دیده است که وقایع مهجور تاریخ فارس را قربانی وقایع معروف تاریخ ایران نماید.

بخش دوم فارسنامه ناصری در مورد جغرافیای فارس، اعم از ملوکات و قراء و قصبیات، رودها، چشمه ها، شکارگاهها و انواع شکار آنها و بیان تطورات تقسیمات فارس، همچنین ذکر مدارس، باغات، بقاع و بزرگان شیراز و جز آن است. علاوه بر شیراز، مؤلف به مسائل مختلف تاریخی و جغرافیایی شهرهای فارس نیز می پردازد. این بخش از آنجا که نتیجه مطالعه، مکاتبه، مصاحبه و مشاهدات شخصی مؤلف است بسیار بارزتر می باشد و می توان اسامی رجال و کتابها و تفصیل بسیاری از وقایع را در آن یافت. مؤلف برای دستیابی به اطلاعات موردنیاز خویش مسافرت هایی به مناطق مختلف

فارسانامه ناصری حتی در مقایسه با کتابهای تاریخی دوران ماقبل مشروطیت قاجاریه نیز دارای مزایایی است زیرا دارای ثنری سلیس و روان می باشد و در حد اغراق و افراط به ذکر القاب و عناوین جز در موارد محدودی نمی پردازد. در همین راستا بجای آنکه سطور متعدد کتاب را با توصیف، تمجید و چاپلوسی و ذکر القاب طویل پرسیازد، اطلاعات فراوانی در دسترس خواننده قرار می دهد. همچنین مؤلف در موارد متعددی شقاوت ها و سنگدلی های حکام و شاهان و یا سبکسری رفتار عوام را متذکر گشته و مورد نکوهش قرار می دهد



پی نوشت ها:

- * این مقاله در سال ۱۳۶۶ نوشته شد و به دلیل مشغله بسیار، از پرداختن به آن، جهت ارائه بازماندم و قسمت بیوست در سال ۱۳۷۹ نوشته شده است.
- ۱- فسایی، میرزاحسن حسینی: تاریخ فارسنامه ناصری، انتشارات کتابخانه سنایی، بی تا، بی جا، گفتار دوم، ص ۸۰.
 - ۲ و ۳- همان، ص ۸۱.
 - ۴- همان، ص ۸۵.
 - ۵ و ۶- همان، ص ۸۷.
 - ۷ و ۸- همان، ص ۸۸.
 - ۹ و ۱۰- همان، گفتار اول، ص ۲.
 - ۱۱- همان، گفتار دوم، ص ۸۲.
 - ۱۲- همان، گفتار اول، ص ۸۱.
 - ۱۳- همان، گفتار دوم، ص ۸۵.
 - ۱۴- همان، ص ۸۳.
 - ۱۵- بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، انتشارات زوار، تهران، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۳۴۲.
 - ۱۶- معین، محمد: فرهنگ معین، ماده حسن.
 - ۱۷- ابن البلیخی: فارسنامه، به سعی و اهتمام گای لیستراج و رینولد نیکلسون، دنیای کتاب، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
 - ۱۸- رشیدالدین فضل الله همدانی: جامع التواریخ، به کوشش دکتر بهمن کریمی، اقبال، تهران، ۱۳۳۸، ۲ جلد.
 - ۱۹- و صاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله شیرازی: تاریخ و صاف [تجزیه الامصار و تزییه الاعصار] انتشار از کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریز [چاپ دوم] ۱۳۳۸ (چاپ سنگی بر اساس طبع هندوستان).
 - ۲۰- احمدین ابی الخیر زرکوب شیرازی: شیرازنامه، به کوشش اسماعیل صاحب جواد، بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۵۰.
 - ۲۱- معین الدین یزدی: مواهب الهی، باهتمام سعید نفیسی، تهران، بی تا، ۱۳۲۶.
 - ۲۲- عیسی بن جنید شیرازی: تذکره هزار مزار (ترجمه شد) از فارسی حط الاوزار عن زوار المزار، به تصحیح و تحشیه دکتر نورانی وصال، انتشارات کتابخانه احمدی، شیراز، ۱۳۶۴.
 - ۲۳- روزنامه میرزاحمد کلانتر فارس: شامل وقایع قسمتهای جنوبی ایران از سال ۱۱۴۲ تا ۱۱۹۹ هجری قمری، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی، انتشارات کتابخانه سنایی و طهوری، تهران، ۱۳۶۲؛ عبدالرزاق بیگ دنبلی: تجربه الاحرار و تسلیه الانبرار، تصحیح حسن قاضی طباطبایی، انتشارات مدرسه تاریخ و فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۹.
 - ۲۴- فهرست نسخه های خطی کتابخانه دانشگاه تهران، ج ۱: ۱۹۵۲.
 - ۲۵- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس، ج ۲: ۴۴۴ و فهرست میکروفیلم ها: ۱۲۰.
 - ۲۶- خورموجی، میرزاجعفرخان حقایق نگار: آثار جعفری، طهران، ۱۲۷۶.
 - ۲۷- فهرست نسخه های خطی دانشگاه، ج ۵: ۳۴۱.
 - ۲۸- همان، ج ۲: ۱۸۵.
 - ۲۹- فهرست کتابخانه مجلس، ملی ۱: ۴۰۵.

گرفت. تا آنکه در سال ۱۹۷۲ ترجمه قسمتی از این کتاب که مربوط به دوره قاجاریه است بوسیله هربرت باس Herbert Busse صورت گرفت و با عنوان *History of Persia under Qajar Rule* در انگلستان و ایالات متحده منتشر شد. هرچند این کتاب اشکالات بسیار دارد و تا حدود زیادی به خاندان قوام الملک عطف توجه نموده و شخص درمی ماند که آنرا تاریخ فارس یا تاریخ ایران ترجمه کند اما بهرحال اولین یازنویسی از فارسنامه ناصری به شمار می آید. سرانجام در سال ۱۳۷۷ متن انتقادی فارسنامه ناصری با تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، استاد دانشگاه شیراز به وسیله انتشارات امیرکبیر منتشر شد و سپس در سال ۱۳۷۸ به چاپ دوم رسید. این چاپ انتقادی با فهرست های ابتدا و انتهای آن و نیز افزودن ضمایم و حواشی متعدد بر مباحث آن کار مراجعه را برای خوانندگان و پژوهشگران هموار ساخته است. نیز مصحح محترم و دانشمند در ۱۶۴ صفحه ای که به ابتدای چاپ انتقادی افزوده اند مباحث سودمند گوناگونی درخصوص فارسنامه ناصری، مؤلف آن و نیز سرزمین پارس افزوده اند که فهرست آنها به شرح زیر است:

زندگی و آثار میرزاحسن فسایی (خاندان، نیاکان، پدر میرزاحسن، مادر میرزاحسن، حاج میرزا حسن حسینی فسایی، استادان میرزاحسن، فرزندان حاج میرزاحسن، بنی اعمام حاج میرزا حسن، بزرگان خاندان سادات دشتکی، املاک میرزاحسن، مبارزه میرزاحسن برای استرداد املاک وقعی سفرهای حاج میرزاحسن، دوستان و معاشران میرزاحسن، شاعری حاج میرزاحسن، مرگ میرزاحسن، آثار میرزاحسن، چاپهای فارسنامه ناصری، منابع فارسنامه ناصری، فهرست کلی منابع فارسنامه ناصری، نثر فارسنامه ناصری، نمونه نثر ساده کتاب، نمونه نثر مصنوع کتاب، دیوانهای شعر و شاعران موردعلاقه میرزاحسن، خصوصیات واژگانی فارسنامه ناصری، خصوصیات صرفی و نحوی فارسنامه ناصری، افکار اجتماعی و اندیشه های میرزاحسن، تحلیلی از بخشهای فارسنامه ناصری، تحلیلی از گفتار اول فارسنامه ناصری، تحلیلی از گفتار دوم فارسنامه ناصری.

فارسنامه ناصری و منابع تاریخی و جغرافیای فارس و شیراز پیش از فارسنامه ناصری.

کتابهای درباره فارس و شهرستانهای آن از قاجار به بعد

ترجمه فارسنامه ناصری
فارس و شهرستانهای آن در شاهنامه فردوسی
در دنباله بخشهای اول و دوم فارسنامه ناصری در دو جلد آمده است: اکنون که یکصد سال از تألیف این اثر پرآوازه می گذرد و چایی انتقادی نیز با همت استاد محترم دکتر رستگار صورت گرفته جای آن دارد که به مباحث تحلیلی بیشتری در مورد آن اقدام شود.

تالیف می گردد. این نکته را با مقایسه مطالب صفحه ۸۳ از بخش دوم و صفحه ۳ از بخش اول نیز می توان دریافت. در صفحه ۸۳ از بخش دوم، مؤلف از ظل السلطان که در فاصله سالهای ۱۲۸۶ تا ۱۲۹۱ ه. ق حکمران فارس بوده است خواستار اجرای عدالت با استرداد موقوفات غصب شده مدرسه منصوریه می گردد. در حالی که در صفحه ۳ از بخش اول اظهار می دارد که در سال ۱۲۹۵ ه. ق از معتمدالدوله فرهاد میرزا حاکم بعدی نیز خواهان احقاق حقوق خود گردیده است. شاید به علت تقدم تألیف بخش دوم، مؤلف در بخش اول خود را از پرداختن به جزئیات تاریخ فارس بی نیاز می دانسته است. نکته مهمی که در اینجا لازم به تذکر است اینکه مطالب بخش اول به سال ۱۳۰۰ خاتمه می یابد و تاریخ نخستین چاپ کتاب نیز سال ۱۳۱۲ در طهران است، در پایان همان بخش آمده است که مطالب سالهای ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۲ نیز تالیف شده بوده اما بعدها مفقود شده و به خاطر ضعف چشم، مؤلف قادر به نوشتن مجدد آن نیست. با اینحال در صفحه ۹۰ از بخش دوم از وضع و حال خود در سال ۱۳۰۴ سخن بمیان می آورد. چنین به نظر می آید که با رفتن معتمدالدوله فرهاد میرزا، در سال ۱۲۹۹ از ایالت فارس، میرزاحسن فسایی بهترین حامی خود را از دست داده و در غیاب او وضع مؤلف دچار تغییر اساسی شده است. زیرا در همان سال ناظم الشریعه به قول مؤلف جبلتی و اشتلمی برانگیخت و توانست موقوفه سهل آباد را از صاحب شرعی آن غصب نماید. لذا از سال ۱۳۰۰ که میرزاحسن حمایتی از جانب حکومت فارس نمی دید مصلحت چنان دیده است که به تاریخ فارس که حالا مقارن با حیات فعال وی بوده است نپردازه، شاید بتواند در کنجی آسوده روزگار بگذراند.

با وجود آنکه میرزاحسن پس از معتمدالدوله دست و دل از مجالست با ارباب حکومت و موانست با حکام ایالت برداشت اما از تلاش برای بازپس گرفتن قریه سهل آباد و موقوفه مدرسه منصوریه برتافت تا اینکه در سال ۱۳۱۲ کتاب فارسنامه در خصوص تاریخ و جغرافیای فارس به چاپ رسید در حالی که دعاوی حقوقی میرزاحسن و اسناد و مدارک او را نیز در خود داشت. در همان سال طی حکمی از دارالخلافه طهران قریه سهل آباد به او بازگردانیده شد و در سال بعد تولید موقوفات مدرسه منصوریه نیز برای او مسلم و مسجل گردید. او با نوشتن فارسنامه علاوه بر خدمت به علم و ادب به حقوق حقه خود نیز رسیده بود و چون در سال ۱۳۱۶ به سن ۷۹ سالگی درگذشت املاک باز یافته را برای بازماندگان و فارسنامه ناصری را برای همگان باقی گذاشت. او را در مدرسه منصوریه کنار مقبره جد یازدهم، غیاث الدین بن صدرالدین به خاک سپردند. خدایش او را رحمت کند.

بیوست *

چاپ انتقادی فارسنامه ناصری

برای نزدیک به یک قرن چاپ فارسنامه ناصری بر اساس همان چاپ سنگی اولیه و به صورت افست صورت